یادداشت

سردار حسین رحیمی*

مهندسی مقابله با عفاف و حجاب

امروز به واسطه گسترش و توسعه فضای مجازی شاهد تبادل سریع اطلاعات، موضوعات و مسائل مختلف و از سوی دیگر شاهد انتقال فرهنگ‌ها، آداب، دیدگاه‌ها و نگرش‌های مختلف در بین جوامع هستیم که البته این موضوع می‌تواند فرصت مناسبی برای رشد و تعالی انسان‌ها باشد و در مقابل نیز می‌تواند آسیب‌ها و مشکلاتی را در پی داشته باشد. بدون شک و به‌طور قطع فضای مجازی محیطی است که می‌توان از آن به نحو مطلوب استفاده کرد، چراکه از ظرفیت بی‌نهایتی برخوردار است و در این راستا موفقیت با کسانی است که در این فضا، میدان‌داری و در راستای سیاست‌ها و اهداف خود بسترسازی و ریل‌گذاری کنند. امروز دشمنان ما بسیاری از سیاست‌ها و مسائل خود را از طریق فضای مجازی، به صورت هنرمندانه و زیرکانه به مخاطبان خود ارائه می‌دهند و نقشه‌های خود را پیش می‌برند.

در بررسی‌های صورت گرفته، مشخص شده است دشمنان یکی از مهم‌ترین حربه‌های خود برای ضربه زدن به ارکان اسلام و انقلاب را مقابله با عفاف و حجاب می‌دانند. در این راستا، کارهای زیاد و سرمایه‌گذاری‌های کلان و برنامه‌ریزی‌های ویژه‌ای هم انجام داده‌اند. در این زمینه می‌توان به سناریوسازهای مختلف در حوزه فرهنگ اشاره کرد. به این شکل که با سناریوی مشخص و از قبل طراحی شده، فرد یا افرادی را با تیپ‌های زننده به سمت گشت‌های امنیت اخلاقی می‌فرستند و به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کنند که در مواجهه سوژه‌ها با گشت‌های امنیت اخلاقی چالش‌های جدی ایجاد شود و در سوی دیگر این حوادث فوراً توسط دیگر افرادی که در این سناریو نقش ایفا می‌کنند، مستندسازی می‌شود و سپس با تقطیع فیلم ضبط شده به‌طور ویژه نسبت به انتشار آن در فضای مجازی و سیاه‌نمایی و در ادامه آن، کامنت‌گذاری‌های مهندسی شده داستانی را به رشته تحریر و تصویر می‌کشانند که کاملاً دروغ و ساختگی است.

همچنین در دستگیری برخی باندها که در زمینه فساد و ترویج بی‌بند و باری فعالیت داشته‌اند، مشخص شده است این باندها با برنامه‌ریزی‌های حساب شده افرادی را با پوشش و آرایش‌های خاص به کار گرفته‌اند تا در ساعاتی مشخص در نقاط خاصی از شهر پرسه بزنند تا از این طریق بتوانند آرام‌آرام و به‌طور خاموش، بی‌بند و باری و لاقیدی را در جامعه ترویج کنند یا با عرضه فراوان مدل‌های جدید در پوشش‌های بانوان که به‌طور جد با فرهنگ و سنن و آداب و رسوم و همچنین اعتقادات ما اختلافات ماهوی دارند، به گونه‌ای با ارائه عجیب و غریب و خارج از ضوابط و قواره اینگونه مدل‌ها شاهد محو و کمرنگ شدن لباس‌های پوشیده و محجبه هستیم.

همه این مسائل نشان‌دهنده شبیخون و تهاجم و ناتوی فرهنگی است که از سال‌ها قبل رهبر معظم انقلاب بارها به مسئولان و دغدغه‌مندان انقلاب گوشزد می‌کردند، اما متأسفانه اقدامات بایسته و شایسته‌ای در این عرصه انجام نشد و اینگونه بود که امروز با یک حساب سرانگشتی به وضوح متوجه می‌شویم در این حوزه شاهد کم‌کاری و عقب‌ماندگی‌های جدی هستیم، به‌طوری که در این شبیخون فرهنگی، دشمنان سوار بر اسب تروای خود تا قلب خانه‌های ما رخنه کرده‌اند و اگر تیزبینی، هوشمندی و تذکرات حکیمانه رهبر معظم انقلاب نبود به‌طور قطع و یقین امروز مغلوب این شبیخون شده بودیم، اما شاهدیم که مقام معظم رهبری در این عرصه خود به تنهایی علم این حماسه بزرگ را به دوش کشیدند و نقشه‌های شوم دشمنان را با خطابه‌ها و روشنگری‌های خود نقش بر آب کردند.

امروز هم در عرصه دفاع از حریم عفاف و حجاب، فراجا با نگاهی ایجابی پای کار آمده است تا از حریم عفاف و حجاب و حیا و شرف جامعه دفاع کند و اجازه ندهد برخی عناصر خودفروخته که مهندسی شده با دریافت مزد و وعده و وعیدهای مختلف با پوشش‌های نامناسب و زننده به دنبال عفاف‌زدایی و حیازدایی از جامعه هستند، اهدافشان را عملی کنند.

لذا باید مجدداً اذعان داشت که گشت‌های امنیت اخلاقی در راستای مقابله با حیازدایی و عفاف‌زدایی است.

*رئیس پلیس پایتخت

عاملان قتل مرد پولدار: دهانش را گرفتیم فوت شد

شش زن و مرد که به اتهام قتل مرد پولدار در بازداشت به سر می‌برند در جلسه محاکمه مدعی شدند برای زنده کردن طلب ۲۴ میلیارد تومانی با مقتول درگیر شده بودند که حادثه اتفاق افتاد.

به گزارش جوان، ۱۷ اردیبهشت ۹۹، مردی مأموران کلانتری ۱۴۶ حکیمیه را از ناپدید شدن مرد همسایه به نام بهنام باخبر کرد و گفت: «بهنام، همسایه ماست. من و بهنام هر روز همدیگر را می‌دیدیم، اما چند روزی است از او خبری ندارم و حالا هم از خانه‌اش بوی تعفن می‌آید. نگرانیم برایش اتفاقی افتاده باشد.»

بعد از این تماس، مأموران به خانه مورد نظر رفتند و بعد از شکستن قفل در با جسد آن مرد که دست، پا و دهانش بسته شده بود، روبه‌رو شدند. جسد به دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و بعد از انجام آزمایشات و معاینات، کارشناسان علت فوت را فشار بر عناصر حیاتی گردن اعلام کردند. به این ترتیب پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل شد و در بررسی‌ها با مشاهده اثر جوهر روی انگشتان دست مقتول مشخص شد از او اثر انگشت گرفته شده است. همچنین مشخص شد عامل یا عاملان قتل آشنا بودند و به بهانه پخش حلوای نذری وارد خانه مقتول شده بودند.

دستگیر عاملان قتل

با به دست آمدن این فرضیه‌ها، مأموران در بررسی دوربین های مداربسته توانستند خودروی سمند سفیدرنگی که از سه روز قبل حوالی خانه مقتول رفت و آمد مشکوکی داشت و یک زن و سه مرد از سرنشینان آن را شناسایی کنند. با ثبت پلاک خودرو سرانجام زن جوانی به نام فریبا که وکیل دادگستری بود، بازداشت شد.

این زن مورد تحقیق قرار گرفت و در همان بازجویی‌های اولیه به قتل با همدستی چهار نفر که دو برادر و دو پرستار بخش مراقبت‌های ویژه یک بیمارستان خصوصی بودند، اعتراف کرد. او در شرح ماجرا گفت: «مدتی قبل مرد پولداری به نام داریوش که تاجر بود و در زمینه توریسم پزشکی فعالیت داشت، سراغم آمد و گفت بیمارانی را از حوزه خلیج فارس به ایران آورده است و آنها را به بیمارستان‌ها معرفی می‌کند و در عوض پورسانت میگیرد. داریوش مدعی بود مدتی قبل مبلغ ۲۴ میلیارد تومان به مردی به نام بهنام داده است تا برایش در زمینه تجهیزات پزشکی سرمایه‌گذاری کند. او می‌گفت حالا پولش را می‌خواهد و بهنام آن را پس نمی‌دهد و مدرکی هم علیه او ندارد. او بعد از این توضیحات از من خواست همراه برادرش داوود که دانشجوی رشته حقوق است و دو پرستار بیمارستان به نام‌های نوید و حمید به خانه بهنام برویم و به زور از او سفته بگیریم. قبول کردم و به آنجا رفتیم، اما بهنام تقلا کرد به همین خاطر داوود و نوید دست و دهان او را بستند که موجب مرگش شد.»

با ثبت این اظهارات، چهار متهم دیگر بازداشت شدند و در روند بازجویی‌ها، آنها گفتند یک مأمور پلیس به نام شاهین نیز با آنها همدست بوده است.

به این ترتیب ششمین متهم نیز بازداشت شد. متمان تحت بازجویی قرار گرفتند، اما جرمشان را انکار کردند. به این ترتیب پرونده با توجه به شواهد و قرائن موجود بعد از صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

جلسه محاکمه

متهمان در اولین جلسه محاکمه مقابل هیئت قضایی شعبه دوم دادگاه به ریاست قاضی زالی قرار گرفتند.

بعد از اعلام رسمیت جلسه، نماینده دادستان بعد از قرائت کیفرخواست برای داوود و نوید به اتهام مشارکت در قتل و برای داریوش، حمید و فریبا به اتهام معاونت در قتل و برای شاهین به اتهام اخفای ادله جرم درخواست اشد مجازات کرد.

سپس مادر مقتول به جایگاه رفت و گفت با پرداخت تفاضل دیه درخواست قصاص دارد. با این درخواست داوود به جایگاه رفت. او که دانشجوی رشته حقوق بود با انکار جرمش در شرح ماجرا گفت: «داریوش برادرم است. او تور گردشگری پزشکی دارد و در این زمینه گردشگران را به بیمارستان‌های ایران معرفی می‌کند و در عوض پورسانت خوبی می‌گیرد. مدتی قبل او در یکی از بیمارستان‌ها با بهنام که مرد پولداری بود آشنا شد. بهنام به برادرم پیشنهاد داده بود برای یک شراکت کاری چند میلیارد پول به او پرداخت کند. برادرم فریب حرف‌هایش را خورده بود و ۶میلیارد نقدی و مابقی را چک داده بود، اما هیچ مدرکی نگرفته بود. قرار بود بهنام این مبلغ را در زمینه تجهیزات پزشکی سرمایه‌گذاری کند و سود خوبی به برادرم بدهد، اما او به قولش عمل نکرد و پول برادرم را هم پس نمی‌داد.»

متهم ادامه داد: «وقتی برادرم در این باره با من صحبت کرد، تصمیم گرفتیم به خانه بهنام برویم و مدرکی از او بگیریم تا بتوانیم پولمان را پس بگیریم. این شد که همراه نوید و حمید که از پرستاران بیمارستان بودند و همچنین فریبا که وکیل دادگستری بود به خانه بهنام رفتیم. طبق نقشه فریبا یک سینی حلوا دستش گرفت و به بهانه نذر به خانه بهنام رفت. بهنام مقابل درآمد و به محض باز کردن در همگی وارد خانه شدیم. ما از بهنام خواستیم سفته‌هایی را که همراهمان بود، امضا کند، اما او تقلا کرد و همین باعث مرگش شد.»

متهم با رد گزارش پزشکی قانونی گفت: «باور کنید انگیزه‌ای برای قتل نداشتیم. وقتی وارد خانه شدیم بهنام شروع به سروصدا کرد. از ترس همسایه‌ها، من و نوید دست و دهانش را با شال بستیم تا سفته‌ها را امضا کند، اما به یک‌باره متوجه شدیم دست‌هایش حرکت نمی‌کند و از نفس افتاده است. نوید، پرستار بخش مراقبت‌های ویژه بود که شروع به تنفس مصنوعی کرد. من هم شالی را که دور دهانش بود باز کردم و آن را دور گردنش انداختم. نمی‌دانم چطور پزشکی قانونی علت مرگ را فشار بر عناصر حیاتی گردن اعلام کرده است. ما هیچ فشاری به گردن او وارد نکردیم. اگر دنده‌ها یا استخوان تیروئید او شکسته شده بود شاید به خاطر عملیات احیا بوده است.»

بعد از این دفاعیات نوبت به نوید رسید. او هم در جایگاه قرار گرفت و با تأیید اظهارات همدستش گفت: «ما انگیزه قتل نداشتیم. من با عملیات احیا تمام تلاشم را کردم تا نفس او را برگردانم، اما بی‌فایده بود. وقتی مطمئن شدیم او مرده، تلفن همراه و لپ‌تاپش را برداشتیم و در رودخانه ابوذر رها کردیم.»

داریوش که تاجر بود هم اتهام معاونت در قتل را انکار کرد و گفت: «قبول دارم از برادرم و دو پرستار خواستم برای گرفتن سفته‌ها به من کمک کنند، اما قصدی برای کشتن بهنام نداشتیم. من فقط دنبال این بودم که مدرکی بگیرم تا بتوانم چند میلیارد پولم را پس بگیرم، به همین خاطر سراغ فریبا که وکیل بود، رفتم. او بود که پیشنهاد داد به خاطر نداشتن مدرک قانونی باید با تهدید و زور مدرک بگیریم. این پیشنهاد فریبا بود که ما را گرفتار کرد.»

با این ادعا زن جوان به جایگاه رفت و با رد این اظهارات گفت: «داریوش دروغ می‌گوید. من چنین پیشنهادی ندادم و این تصمیم او و دوستانش بود. فقط طبق نقشه قرار شد من به آنها کمک کنم.»

دیگر متهم نیز اتهام اخفای در ادله جرم را رد کرد.

در پایان، این جلسه به دلیل طولانی شدن روند رسیدگی برای گرفتن آخرین دفاع از متهمان به تاریخ دیگری موکول شد.

آمار کشته‌های پایتخت در صدر قربانیان سیلاب

سازمان مدیریت بحران کشور با بیان اینکه ۶۹ نفر در جریان سیلاب‌های اخیر جانشان را از دست داده‌اند، اعلام کرد تهران با ۳۲ کشته در صدر استان‌های حادثه‌دیده قرار دارد.

به گزارش جوان، براساس آخرین آمارها در جریان سیلاب‌های اخیر ۶۹ نفر جان باخته‌اند، ۴۵ نفر ناپدید و ۴۱ نفر مصدوم شده‌اند. بیشترین قربانیان سیلاب هم در تهران با ۳۲ کشته، ۲۳ مفقودی و ۱۵ مصدوم ثبت شده است. بیشترین خسارت هم به منطقه امامزاده داوود و فیروزکوه در استان تهران وارد شده است. پس از استان تهران، هفت کشته در استان خراسان رضوی ثبت شده است که شش نفر از آنها اتباع کشور عراق بودند. همچنین سه تبعه دیگر عراقی هم مفقود و سه نفر هم مصدوم شدند. در استان مازندران هم شش نفر در جریان سیلاب کشته و ۱۲ نفر ناپدید و چهار نفر هم مصدوم شدند. در هر کدام از استان‌های سیستان و بلوچستان، یزد و لرستان پنج نفر جانشان را از دست داده‌اند. در استان‌های کرمان و مرکزی هم در مجموع شش نفر جان باخته‌اند. از ابتدای مردادماه سیل مناطقی از ۲۴ استان کشور را تحت تأثیر خود قرار داده که در حال حاضر عملیات امدادرسانی در ۱۵ استان ادامه دارد.

وقوع فاجعه با چشمان باز

سازمان هواشناسی در تحلیلی از وضعیت باران‌های سیلابی اعلام کرد که ۳۰ درصد بارش‌های یک‌سال زاهدان در مدت چند ساعت بارید و رکورد ۶۰ ساله بارش‌های تابستان در زاهدان شکسته شد. با این حال جان‌هایی که در جریان سیلاب از دست می‌رود، غیرقابل جبران است، در حالی که با تعیین حدود بستر رودخانه‌ها و جلوگیری از ساخت و ساز و حضور مردم در آن می‌توان از فاجعه جلوگیری کرد.

تعرض به حریم رودها

جالب‌تر اینکه چنین قانونی از سال ۱۳۶۱ در کشور وجود دارد و آیین‌نامه آن هم موجود است. هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۱ بنا به پیشنهاد شماره ۴۸۵۵۶/۳۱/۱۰۰ مورخ ۱۳۷۹/۸/۳ وزارت نیرو و به استناد ماده (۵۱) قانون توزیع عادلانه آب ـ مصوب ۱۳۶۱ ـ آیین‌نامه مربوط به بستر و حریم رودخانه‌ها، انهار، مسیل‌ها، مرداب‌ها، برکه‌های طبیعی و شبکه‌های آبرسانی، آبیاری و زهکشی را تصویب کرد که در ماده ۲ این قانون شرکت‌های آب منطقه‌ای مکلف شدند با توجه به امکانات، حد بستر و حریم رودخانه‌ها، انهار، مسیل‌ها، مرداب‌ها و برکه‌های طبیعی موجود در حوزه فعالیت خود را با برنامه‌ریزی مشخص و با اعزام کارشناس یا کارشناسان ذی‌صلاح طبق مقررات این آیین‌نامه تعیین کنند.

عدم درک از قوانین طبیعت

محمد درویش، رئیس کمیته محیط‌زیست سلامت اجتماعی یونسکو به ایرنا گفت: چیزی که نگرانی ایجاد می‌کند این است که ما به حریم سیلابی رودخانه‌ها احترام نمی‌گذاریم، در بستر سیلابی رودخانه‌ها کشت و کار و ساخت و ساز می‌کنیم و بعد با خسارت مواجه می‌شویم. این خسارت‌ها نه ناشی از ماهیت سیل که ناشی از عدم درک ما از قوانین حاکم بر طبیعت است. این طرح از زمان برنامه پنج ساله چهارم توسعه بر زمین مانده و از آن زمان تاکنون هنوز ۶۰ درصد این حریم هم تعیین نشده است. وزارت نیرو علت کندی کار را کمبود منابع مالی اعلام می‌کند، در حالی که پول لازم برای اجرای این طرح حدود ۸۰۰ میلیارد تومان است که تقریباً کمتر از یک‌صدم پولی است که برای سد بختیاری در استان لرستان هزینه شده است.

نابخردی نعمت را نقمت کرد

درویش تأکید کرد: سیل از قدیم در فرهنگ ایران به نعمت معروف بود، اما ما با نابخردی این نعمت را به نقمت تبدیل کردیم، در واقع ماهیت طبیعی سیلاب‌ها این است که در زمین نفوذ می‌کنند، برای این کار نیازی به کمک دستی نیست، انسان‌ها فقط به قوانین طبیعت احترام بگذارند کافی است. ما کشوری هستیم که آبخوان‌های بسیار زیادی داریم، زمانی عبدالناصر رئیس‌جمهور وقت مصر گفته بود که اگر در مصر هم مانند ایران آبخوان‌های درشت‌دانه بود ما هرگز سد اسوان را نمی‌ساختیم. در واقع مصر شبیه جلگه خوزستان است که به دلیل آبرفت‌های ریزدانه امکان حفر چاه و آبخوان در آن وجود ندارد، اما بیشتر مناطق ایران در استان‌های کرمان، یزد، اصفهان و هرمزگان مستعد نفوذ آب در آبخوان‌ها هستند و این سیل‌ها به ارتقای این ماجرا کمک می‌کند. ما فقط باید تلاش کنیم پوشش‌های گیاهی را حفظ کنیم که حفظ آن باعث می‌شود ضریب هرز آب کاهش یابد و به این ترتیب تاب‌آوری حفظ شود.

کشف جسد زن ناشناس ۴ ماه پس از قتل

مأموران پلیس تهران جسد زن ناشناسی را در میان علفزارهای پشت ساختمان مسکونی در شمال تهران کشف کردند که حدود چهار ماه از قتل آن گذشته بود. تحقیقات برای شناسایی مقتول و عامل یا عاملان قتل از سوی کارآگاهان جنایی آغاز شده‌است.

به گزارش «جوان»، ساعت یک بامداد دیروز یک‌شنبه نهم مرداد قاضی محمد تقی شعبانی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۶۴ قائم از کشف جسدی در اطراف مجتمع مسکونی در شهرک نفت در شمال تهران با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی در انتهای خیابان لاوان داخل بوته‌ها و علفزاره‌های پشت ساختمان مسکونی پنج طبقه‌ای با جسد متلاشی شده‌ای روبه‌رو شدند که چیزی جز شش تکه استخوان همراه با جمجمه از آن باقی نمانده‌بود. مانتو سفیدرنگ و شال مشکی دور گردن و یک لنگ کفش زنانه باقیمانده در محل نشان می‌داد جسد متعلق به زن ناشناسی حدوداً ۲۵ تا ۳۰ ساله است.

از آنجایی که جسد داخل کیسه زباله‌ای در آن محل رها شده‌بود، این فرضیه که جسد متعلق به زن معتاد و کارتن‌خوابی باشد که به صورت عادی فوت کرده‌باشد، از سوی تیم جنایی رد شد و این احتمال برای بازپرس جنایی قوت گرفت که زن جوان به احتمال زیاد در محل دیگری بر اثر خفگی به قتل رسیده‌است و عامل یا عاملان قتل جسد را به این مکان منتقل و رها کرده و از محل گریخته‌اند.

همچنین براساس گفته‌های همسایه‌ها که مدعی بودند از اردیبهشت ماه امسال متوجه بوی تعفن از پشت ساختمان شده‌بودند و معاینات اولیه پزشکی قانونی در محل حادثه حکایت از آن داشت حدود چهار ماه از قتل زن جوان گذشته‌است و به همین خاطر جسد متلاشی شده و فقط تعدادی استخوان همراه با لباسش از آن باقی مانده‌است.

یکی از همسایه که به مأموران پلیس خبر داده‌بود، گفت: «از اردیبهشت ماه امسال بوی بدی از پشت ساختمان به مشام ما و همسایه‌ها می‌رسید. از آنجایی که پشت ساختمان پر از بوته‌های بلند است و به علفزار تبدیل شده‌است و احتمال دارد داخل بوته‌ها جانوران خزنده و جونده داشته‌باشد کسی به آن قسمت رفت و آمد ندارد و به همین خاطر هم برای پیدا کردن منشأ بوی بد امروز و فردا می‌شد. وقتی بو بد بیشتر شد، ما چند باری به کارگری پول دادیم و قرار شد داخل بوته‌ها را بررسی کند تا متوجه شویم منشأ بوی بد چیست، اما کارگران هم چیزی پیدا نکردند.»

وی ادامه داد: «پس از این، بوی بد همچنان به مشام می‌رسید، اما هر روز بوی بد کم و کمتر می‌شد تا اینکه امشب وقتی از سر کار آمدم، تصمیم گرفتم به پشت‌بام بروم و از آنجا به اطراف نگاه کنم. از پشت‌بام به داخل بوته‌ها چراغ قوه انداختم و لحظاتی بعد داخل علفزارها متوجه چند تکه استخوان شدم که دور آن تکه‌های پارچه سفیدرنگی قرار داشت. کنجکاو شدم و از ساختمان پایین آمدم و وقتی به استخوان نزدیک شدم، تازه متوجه شدم که استخوان‌ها متعلق به انسان است و بلافاصله به اداره پلیس خبر دادم.»

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن هویت و علت اصلی مرگ، بازپرس جنایی به مأموران پلیس دستور داد پرونده افراد گمشده را بررسی کنند تا چنانچه زن گمشده‌ای با این مشخصات مفقودی آن ثبت شده‌باشد، بررسی‌های لازم برای شناسایی هویت آن انجام شود.

تحقیقات درباره این حادثه از سوی کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی ادامه دارد.

تهدید به مرگ برای ازدواج!

آرمین بینا

کارشناس برنامه تلویزیونی مدعی شد زنی میانسال او را تهدید کرده‌است، در صورتی که با وی ازدواج نکند، مرتکب قتل خواهد شد!

به گزارش «جوان»، صبح دیروز مردی به دادسرای امور جنایی تهران رفت و از زن میانسالی به اتهام تهدید به قتل و اسیدپاشی روی خودرواش شکایت کرد.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: «چندی قبل با خودروی پرایدم در یکی از خیابان‌های تهران در حال رانندگی بودم که زن میانسالی دست تکان داد و از من خواست تا مسیری او را برسانم. من او را سوار کردم و به راه افتادم و از آنجایی که چهره شناخته‌ای هستم و به عنوان کارشناس در برخی برنامه‌های تلویزیون حضور دارم، آن زن مرا شناخت و سر صحبت را با من باز کرد. او گفت که زن پولدار و خیری است و کارهای خیر زیادی انجام داده‌است و از من خواست در کارهای خیر با او همکاری کنم و اگر فردی را می‌شناسد که نیاز به کمک دارد، به او معرفی کنم. به هر حال همین موضوع باعث شد ما با هم ارتباط تلفنی داشته باشیم تا اینکه روزی مرا به رستورانی دعوت کرد و قرار شد درباره انجام کارهای خیر با هم حرف بزنیم. ساعتی با هم حرف زدیم و در پایان پیشنهاد داد با او ازدواج کنم. او گفت شوهر ندارد و حاضر است من او را به عقد موقت خود در آورم، اما من زن و فرزند دارم و از طرفی هم به خاطر حفظ آبرو و زندگی‌ام قبول نکردم. فکر می‌کردم حرف‌های مرا قبول کند و اصراری به ازدواج با من نداشته‌باشد، اما اشتباه فکر می‌کردم این ابتدای گرفتاری من در دام آن زن بود.»

وی ادامه داد: «او ابتدا چند روزی اصرار کرد، اما وقتی با جواب رد من روبه‌رو شد، شروع به تهدید کرد که اگر با او ازدواج نکنم، اتفاق بدی برای من رخ می‌دهد. من به تهدیدهای او توجهی نکردم که مدتی بعد فردی روی دو خودروی سواری که داشتم مایع اسیدی پاشید و بعد فهمیدم زن میانسال او را اجیر کرده‌است. او حتی به من تلفن زد و گفت این اولین تهدید است و تهدیدهای بعد جدی‌تر و خطرناک‌تر است. یک بار هم او دو نفر را اجیر کرده بود و فرزندم را از جلو مدرسه‌اش ربوده و با خودرویی ساعتی داخل خیابان چرخانده‌بودند. آنها پس از اینکه فرزندم را رها کرده‌بودند، عکسش را برای من فرستادند و تهدید کردند اگر به خواسته‌های آن زن توجهی نکنم، بار بعدی برای فرزندم اتفاقی تلخ رخ می‌دهد. من از آبرویم می‌ترسیدم و نمی‌خواستم خانواده‌ام از ماجرا باخبر شوند و به همین خاطر در مقابل تهدیدهای او سکوت می‌کردم و شکایت نمی‌کردم. چون زمانی که با او در رستوران جلسه‌ای داشتم، مردی را اجیر کرده‌بود و از ما فیلم و عکس گرفته و حتی صدای مرا هم ضبط کرده‌بود و می‌گفت اگر به پلیس شکایت کنم، عکس‌ها و فیلم‌ها را برای خانواده‌ام می‌فرستد و بعد هم در فضای مجازی منتشر می‌کند.»

وی در پایان گفت: «تهدیدهای زن میانسال ادامه دارد و هنوز هم اصرار می‌کند با او ازدواج کنم و حتی این اواخر مردی را اجیر کرده‌بود که دائم برای من پیامک‌های تهدیدآمیز می‌فرستاد و یک‌بار هم چند مرد مرا به شدت کتک زدند که فهمیدم از سوی همان زن اجیر شده‌اند. من باز هم از ترس آبرویم سکوت می‌کردم و حتی به پزشکی قانونی هم نرفتم تا اینکه برادرم متوجه شد و وقتی اصرار کرد ماجرا را برای او توضیح دادم و او هم مرا تشویق کرد به دادسرای امور جنایی تهران بیایم و از آن زن شکایت کنم و الان درخواست کمک دارم.»

با طرح این شکایت، پرونده برای بررسی به دستور قاضی محمدامین تقویان، بازپرس شعبه هشتم دادسرای امور جنایی تهران در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. همچنین بازپرس پرونده زن میانسال را برای تحقیق به دادسرا احضار کرد تا زوایایی پنهان این حادثه بر ملا شود.

امور مشترکین و توزیع
روزنامه جوان
۸۸۴۹۸۴۷۶

مفقودی
اصل سند کمپانی و بنچاق قبلی و شناسنامه مالکیت خودرو (برگ سبز) سواری پراید صبا جی تی ایکس مدل ۱۳۸۲ به شماره موتور ۰۰۴۷۴۷۱۲ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۲۹۵۰۵۳۷ به شماره پلاک ۶۳۲س۱۸۸ ایران ۵۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. گلستان

مفقودی
کارت سبز ماشین سواری پراید جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۵ به شماره موتور ۱۵۲۰۰۸۸ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۵۲۰۵۳۵۲ و شماره پلاک ۵۷۳ص ۲۸ ایران ۵۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. گلستان

مفقودی
برگ سبز خودرو سواری سایپا تیپ ۱۴۱ مدل ۱۳۹۳ به شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰E۱۰۰۰۷۵۷ و شماره موتور ۵۰۶۵۹۸۸ و شماره پلاک ۹۵۵ج۶۹ ایران ۵۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. گلستان